

م. ع. اطرافی
۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳

تضاد و یا اشتراک منافع در جنگ و صلح افغانستان

جنگ در افغانستان انگیزه و علل خاص خود را دارد که از جانب بازیگران داخلی، منطقوی و جهانی بخاطر منافع شان در کشور ما براه انداخته شده. جنگ و صلح دو قطب متضاد هم دیگر هستند. جنگ خصوصیت فعال (اکتیف) و صلح خصوصیت غیر فعال (پاسیف) را دارد. جنگ و صلح افغانستان هم از این قاعده عام مستثنی شده نمیتواند. برای اینکه به بیراهه نرویم اول باید انگیزه، منظور و اهداف جنگ ها را در افغانستان کاوش و بررسی نماییم تا سرخ بحران ها را پیدا کرده، منشأ و عمال اصلی جنگ و صلح را در افغانستان تشخیص و تثبیت نموده تا بعدن بتوانیم در راه صلح و ثبات با درایت و متانت به پیش حرکت نماییم و از مسیر هدف به بیراهه نرویم.

سوابق تاریخی افغانستان حکایت از آن دارد که نقطه تقاطع چهارراهی شرق و غرب، شمال و جنوب و تمديد راه ابریشم، به افغانستان موقعیت خاص داده که در طول تاریخ از اهمیت ستراتژیک برخوردار بوده است.

پدران و نیاکان ما از این راه عبوری و ترانزیتی کشور خود استفاده های مثبت اقتصادی و سیاسی کرده نتوانستند. در برابر پیشروی های امپراطور های جهان ایستاده شدند و در مقابل ماموریت های دینی و مذهبی ادیان مقاومت کردند. اکثر اوقات پیروز شدند و گاهی شکست خوردند و تلفات عظیم و خسارات هنگفتی بر کشور ما تحمیل گردید. خسارات عظیم اقتصادی، ویرانی و تباهی کشور و تلفات بیش از دومیون هم وطن خود را در جنگ های نیابتی انقلاب و جهاد زنده به چشم های خود دیدیم که گواه از حقایق تلخ تاریخ گذشته و معاصر کشور ما میباشد.

امروز اهمیت ستراتژیک کشور ما نسبت به هر زمان گذشته بیشتر و برجسته تر گردیده است. زیرا در پهلوی اهمیت ستراتژیک تاریخی، حداقل ۳ تریلیون و حد اکثر ۳۰ تریلیون دالر ذخایر معادن افغانستان تخمین شده که رئیس جمهور در یکی از اظهارات خود به آن اعتراف کرده که به اهمیت ستراتژیک افغانستان افزوده است. مزید بر آن افغانستان بحیث گذرگاه تجارتي و سوق الجیشی به کشور های آسیای میانه و مسیر تمديد پایپ لاین های نفت و گاز از شمال و غرب به جنوب و شرق از اهمیت ویژه برخوردار میباشد که توجه قدرت های منطقی و جهانی را بخود جلب نموده است.

اعلام ایران و کوریای شمالی از جانب امریکا بحیث نیروهای شرارت و شیطانی و دفاع از امریکا و اروپا در مقابله با آن، امریکا به تدارکات نظامی دست یازید.

در قدم اول کشورهای ثروت مند منطقه را هدف قرار داد با ایجاد پایگاههای نظامی، جابجا سازی سلاحهای ستراتژیک دفاعی و تعرضی و سوقیات نظامی اهداف رقبای قوی تر خود را در محاصره گرفت.

حادثه ۱۱ سپتامبر سوقیات نظامی امریکا را سرعت بخشید که منجر به حمله نظامی به افغانستان و متعاقباً به کشورهای ثروت مند شرق میانه و شمال افریقا گردید.

در مدت بیش از سی سال جنگ، منافع جنگ افروزان داخلی، منطقی و جهانی در ادامه ناامنی ها و جنگها در افغانستان گره خورده است. قاچاق مواد مخدر هم عواید سرشار باز یگران تروریزم و ضد تروریزم را تشکیل میدهد که در شعله ور نگه داشتن جنگ ها نقش بسزایی دارد. با پیاده شدن قدرت های ضد تروریزم در افغانستان محصولات و قاچاق مواد مخدر هم به اوج خود افزایش یافت که هر دو قطب از عواید آن تغذیه شده میروند که حساب دهی ندارد و در آن مفسدین داخلی،

منطقوی و جهانی دخیل هستند و یک شبکه جهانی مافیای مواد مخدر را ساخته اند که جامعه ما را هم به فساد گسترده ملوث ساخته اند.

سقوط اقتصاد قدرت های غربی یا بعبارہ دیگر جهان یک قطبی از یک طرف، ظهور و عروج اقتصاد قدرت های شرقی و یا بعبارہ دیگر جهان دوقطبی از جانب دیگر ترس و هراسی را در بین قدرت های یک قطبی جهان خلق کرده است که اگر جلو پیشرفت آن از همین حالا گرفته نشود، قدرت یک قطبی جهان نقش هژمونیک خود را بزودی در جهان از دست خواهد داد. حادثه ۱۱ سپتامبر انگیزه ی را فراهم ساخت که امریکا برضد تروریزم برافغانستان حمله نظامی کرد و به تعقیب آن آیساف، ناتو و بیش از چهل کشور متحد یک قطبی جهان درافغانستان پیاده شدند. درامه تروریزم و ضد تروریزم به همکاری کشور های منطقه بخصوص پاکستان در افغانستان از نوسازمان داده شد و تنور نان پزی شان را درافغانستان داغ نگه داشتند که تا امروز نان پخته کرده میروند. بعدن به عراق حمله کردند، متعاقب آن کشور لیبی را اشغال کردند به تعقیب آن سوریه را به آتش و خون کشانیدند که تا هنوز با شدت جریان دارد. اخیرن بر کشورمالی حمله کردند. جنگ درکشور یمن و سومالی هم بشدت جریان دارد. اینها کشورهای هستند که منابع سرشار اقتصادی و نفت و گاز دارند. این کشورها در سابق از آزادی و استقلال نسبی برخوردار بودند و روابط دوستانه با اتحاد شوروی وقت داشتند.

با سرکوب و اشغال این کشورها دو هدف تعقیب میشود. اول اینکه از منابع سرشار معدنی و ذخایرنفت و گاز آنها استفاده میشود. دوم اینکه میخواهند ریشه های روابط دوستانه رقبای خود را با کشورهای مذکور خشک بسازند تا کشور روسیه، چین و حامیان جهان دوقطبی را در انزواء و محاصره بکشانند.

در مقابل، جهان دوقطبی بخصوص چین و روسیه پیشروی و محاصره نظامی امریکا و ناتو را در منطقه خطر ستراتژیک به منافع و حاکمیت ملی خود میدانند.

چنین اختلافات ستراتژیک بین جهان یک قطبی و دو قطبی صلح و امنیت منطقه و جهان را به خطر جدی مواجه ساخته است.

سیاست مداران و مردم افغانستان باید متوجه شوند که جنگ و صلح افغانستان هم یار و هم اغیاری دارد. باید تشخیص نمایند که یاران صلح افغانستان کیها هستند و بازیگران جنگ افغانستان کیها میباشند. با تشخیص و درک این حقایق میتوانند جبهه متحد ضد جنگ (صلح) افغانستان را در داخل و خارج تقویت نمایند و مردم را آگاهانه برضد جنگ، تروریزم و فساد سوق و بسیج نمایند و از ادامه جنگهای نیابتی و فساد اداری در افغانستان جلوگیری نمایند که مقدمه و آغاز مرحله صلح و ثبات در کشور ما خواهد بود.

آقای کرزی قراردادهای ستراتژیک را کور کورانه با یکتعداد کشورها امضاء کرد. بدون اینکه موضوع را دقیق بررسی مینمود که قرارداد های ستراتژیک مذکور چقدر به مفاد و یا بضرر افغانستان تمام میشود و یا تشخیص مینمود که کدام این کشورها با افغانستان اهداف و منافع مشترک ستراتژیک دارند و کدام کشورها با افغانستان تضاد اهداف و منافع دارند.

در سیاست، دوستی ها و دشمنی های مجرد و عاطفوی وجود ندارد. اشتراک منافع و تضاد منافع دوستی ها و دشمنی ها را در سیاست جهانی رقم میزند. دولت آقای کرزی با دوستان و دشمنان منافع افغانستان یکسان معامله کرده و میکند. با متحدین منافع افغانستان باید برخورد دوستانه و اعتماد سازی بیشتر میشد تا این جبهه قوی تر شده میرفت و با مخالفین و دشمنان منافع افغانستان باید دیپلماسی ماهرانه

صورت می‌گرفت تا از دسایس و خصومت های شان جلوگیری و کاسته
میشد.

باید این حقیقت را هم در نظر داشت که جنگ و صلح افغانستان به
جنگ و صلح در منطقه و جهان پیوند ستراتژیک دارد و بحیث داغ
ترین نقطه تصادم بین قدرت های جهان یک قطبی و دوقطبی ارزیابی
میشود. بدون تفاهم و همکاری هر دو قطب، صلح در افغانستان اعاده
شده نمیتواند. اما آقای کرزی برای اعاده صلح بیهوده به دامان ملا
برادرو برادران آزرده خاطر دست انداخته است که تابحال هیچ نتیجه
نداده و مردم اغواء شده میروند.

جهان یک قطبی برای حاکمیت مطلق جهان برنامه ریزی کرده و
میکند. جهان دوقطبی برای توازن قوا در جهان کار و مبارزه مینمایند.
تا هنوز هم در کشمکش هستند و در فکر پیروزی بر یک دیگر میباشند.
هر دو قدرت بخت شان را در کشور سوریه به آزمایش گذاشته اند که
کشور سوریه را به قتل گاه مردم و مخروبه مبدل ساخته اند.
هر دو طرف شکست در سوریه را شکست خود میدانند که این امر حل
سیاسی و مسالمت آمیز کشور سوریه را پیچیده تر و مغلق تر ساخته
است. دیده شود که در بحران سوریه سرانجام عقل و تدبیر،
هیومانیزم، صلح و مصالحه پیروز خواهد شد و یا جنگهای ویرانگر
و خونین نیابتی همچنان ادا می‌شود. کشمکش ها تا بحال بشدت
ادامه دارد.

مردم جهان به این باور هستند که بحران سوریه راه حل نظامی ندارد
اما هر دو قدرت یک قطبی و دوقطبی جهان در عمق جنگ سوریه دخیل
هستند. توافقات اخیر امریکا و روسیه درباره سوریه خوش بینی های را
بوجود آورده است. امید می‌رود که این توافقات به تفاهم کامل بین قدرت
های یک قطبی و دو قطبی بیانجامد تا از وسعت جنگها در منطقه و
جهان کاسته شود.

مردم جهان باید خود بیاندیشند و قضاوت کنند که رهبری تک قطبی به منفعت توده های وسیع مردم، صلح و ثبات در جهان، دموکراسی و عدالت اجتماعی میباشد و یا نظام دوقطبی و یا چند قطبی، توازن قوا و رهبری دسته جمعی.

مطابق دریافت شان موضع گیری و عمل نمایند. در غیر آن چوپان های سیاسی در جهان مردم را گوسفند و ارمانند شورای امنیت مغایر خواست و منافع شان با فشار و تهدید سوق، هدایت و رهبری خواهند نمود.

درباره قرارداد ستراتژیک بین افغانستان و ایران حدث زده میشود که آقای کرزی این کار را به مشوره امریکا انجام داده است. در موجودیت قوای نظامی امریکا در افغانستان غیرمستقیم امریکا به ایران یک پیام داده است که اگر ایران در موجودیت پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان قرارداد ستراتژیک را با افغانستان امضاء نماید احتمال بهبود روابط ایران و امریکا بعید از امکان نیست.

اینکه جای هند و روسیه در این سند ستراتژیک و همکاریهای منطقوی باز نگه داشته شده است حاکی از این حدیثیات میباشد که امریکا چین را رقیب درجه اول خود دانسته که احتمالن با پاکستان و انگلستان اشتراک نظر، عمل و منافع مشترک داشته باشند که امریکا بدون همکاری ایران، هند و روسیه موا زنه قدرت را در این منطقه برقرار ساخته نمیتواند. اگر ایران، هند و روسیه با امریکا همکاری ننمایند و یا مخالفت نمایند احتمال آن میرود که امریکا از ادامه پایگاههای نظامی اش در افغانستان صرف نظر نماید. زیرا در محاصره راه های ترانزیتی و اکمالاتی و دشمنی های مردم این منطقه قرار دارد. به تنهایی پایگاههای نظامی خود را اکمال و دفاع کرده نمیتواند.

سناریوی بد تر جریانات فعلی به گسترش جنگها در منطقه خواهد انجامید که ابر قدرت ها خود در آن درگیر خواهند شد و جنگ منطقوی از

کنترول و حیطة بازیگران خارج شده زمینه جنگ سوم جهانی را فراهم خواهد ساخت.

افغانستان چه نقشی را در این سناریو ها بازی کرده میتواند به عقل، درایت، درک از منافع ملی، صداقت ملی و مسئولیت پذیری سیاست مداران افغانستان ارتباط دارد.

با حسرت که ما افغانها در طول تاریخ کمتر از عقل و درایت خود استفاده کرده ایم بل روی باورهای کورکورانه و احساسات عمل کرده ایم. از زمانیکه عینک های عقب بین باورهای کورکورانه را از طریق مغز شویی ها برچشمان مردم ما گذاشتند دیگر ما به جلو دیده نتوانستیم همیشه به عقب نگرسته و مینگریم و اندیشه **الیوماً بتر** در اذهان مردم ما القاء و جای گزین شده و مردم ما را به آن باورمند ساخته اند. در چنین اوضاع و حالات از افغانها بحیث مهره ها و لشکر جنگهای نیابتی و تروریستی بر ضد منافع و حاکمیت ملی افغانستان استفاده شده و میشود که بیش از سی سال به اینطرف جریان و ادامه دارد.

پیامد انقلاب و جهاد و حاکمیت امارت در افغانستان به فاجعه انجامید که همه هست و بود جامعه ما را بلعید و بر کشور ما تحمیل گردید و زمینه ساز مداخلات نظامی قدرت های استعماری در چهره ضد تروریزم گردید که سلسله فاجعه تا امروز ادامه دارد.

در چنین اوضاع و حالات شخصیت های ملی، وطندوست، صادق و ترقیخواه چه کرده میتوانند که باید بکنند. در شرایط کنونی برای این قشر پاک نهاد جامعه ساحه فعالیت و مبارزه محدود و تنگ تر شده و میشود. دوستان این قشر که مردم افغانستان هستند مغزشوئی شده و در قید و بند بنیاد گرایان، کهنه اندیشان، قوم پرستان و مافیای منطقوی و جهانی به گروگان گرفته شده اند.

از جانب دیگر دشمنان قشروطن دوستان زیاد است، از قبیل استعمار، امپریالیزم، تروریزم و مدعیان ضد تروریزم، بنیادگرایی و قومگرایی، مافیای مواد مخدر، تجزیه طلبان و مفسدین معلوم الحال که بر اریکه قدرت تکیه زده اند. آزادی و امنیت هم وجود ندارد.

این قشر ملی و منور بصورت انفرادی در روشن ساختن اذهان با سوادان و نسل جوان کشور کار های مفیدی را انجام داده و میدهند که ساحه فعالیت شان آن نسبت به کار های دسته جمعی محدود تر است. در برابر این قشر دوراه وجود دارد. یک: با هم وحدت و اتحاد نمایند و مشترک از خود یک انجمن، سازمان فرهنگی، اجتماعی و یا سیاسی بسازند و به مبارزات مشترک و متحد اقدام نمایند. دو: در یکی از احزاب مورد انتخاب و اعتماد شان مدغم شوند و مسیر آن حزب را در جهت منافع ملی، ترقی و پیشرفت جامعه و وحدت ملی سمت دهی نمایند و در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی با قوت بیشتر سهم فعال بگیرند و از یک کاندید ریاست جمهوری و کاندیدان شوراهای ولایتی مورد نظر و اعتماد شان حمایت نمایند و آرای مردم را به نفع شان بدست آورند. از مبارزات زیرخیمه های کوچک سیاسی، اجتماعی و قومی چیزی ساخته نمی شود. باید زیر سقف سالون بزرگ ملی با هم جمع شوند تا هدف مطلوب را بدست آورده بتوانند.

اخیرن اطلاعات و اخباری به نشر رسیده که حجم سلاحهای نظامی تاکتیکی و ستراتژیک تعرضی و دفاعی امریکا در افغانستان آنقدر زیاد است که هزینه خروج آن از افغانستان مبلغ دو میلیارد دالر تخمین شده است. این سلاحهای عظیم و پیشرفته برای مبارزه با تروریزم آورده شده بود و یا برای اهداف وسیعتر و بزرگتر در منطقه. در هر دو صورت امریکا به عقب نشینی و شکست مجبور ساخته شده که افغانستان را ترک مینماید.

اما امریکا بالای امضای قرارداد امنیتی با افغانستان اصرار میورزد. معمولن شرایط قرارداد های امنیتی بین کشورها سری باقی میماند اما

اختلافات زرگری امریکا و آقای کرزی بالای شرایط قرارداد امنیتی رسانه‌ی شده است. این امر شک و تردیدهای را بوجود آورده که امریکا در پی دست‌آویزی مییابد که عساکر خود را از افغانستان آبرومندانه خارج نماید و یا شرایط خود را بر مردم افغانستان از طریق آقای کرزی قبل از نتایج انتخابات ریاست جمهوری تحمیل نماید. مردم افغانستان از آقای کرزی می‌پرسند که شما از دولت امریکا پرسیده‌اید که این پایگاه‌های نظامی خود را در افغانستان بخاطر چه منظور و کدام اهداف حفظ مینمایید!

تا زمانی‌که اهداف ۹ پایگاه نظامی امریکا واضح و روشن نشود نمیتوان تشخیص کرد که موجودیت این پایگاه‌ها به مفاد و یا بضرر افغانستان است. از این پایگاه‌ها به افغانستان سالانه چقدر حق الجاره تادیه میشود هم معلوم نیست.

نباید موقعیت ستراتیژیک افغانستان را بحیث خط قرمز بین قدرتهای یک قطبی و دو قطبی نادیده گرفت. ادامه پایگاه‌های نظامی امریکا در افغانستان حساسیت‌های را در منطقه بوجود می‌آورد که به احتمال اغلب به درگیری‌های دو قطب بیانجامد که در جنگ‌های نیابتی انقلاب و جهاد افغانستان و حالا در جنگ‌های نیابتی کشور سوریه تجربه شده است.

مردم افغانستان از آقای کرزی می‌پرسند که شما مفاد و اضرار قرارداد امنیتی با امریکا را دقیقن مطالعه و بررسی نموده‌اید که این قرارداد امنیتی چقدر به مفاد و یا به ضرر کشور ما تمام میشود. ۹ پایگاه نظامی امریکا بخاطر کدام منظور و اهداف مطمح نظر مییابد! جلوگیری از استخراج غیرقانونی معادن افغانستان و مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر و یا هردو. مردم افغانستان باید از اهداف این پایگاه‌ها آگاه ساخته شوند تا مردم علیه پایگاه‌های نظامی امریکا اقدام به قیام نکنند و در جبهه و صف قدرت‌های مخالف پایگاه‌های نظامی امریکا موضع‌گیری ننمایند. آقای کرزی نباید در آخرین ماه‌های حاکمیت خود

افغانستان را در یک معضله ستراتژیک گرفتار نماید و اشتباهات امیر عبدالرحمان خان رابار دیگر تکرار نماید. سالم ترین تصمیم آقای کرزی این خواهد بود که امضاء قرارداد امنیتی بین امریکا و افغانستان را به دولت منتخب آینده افغانستان موکول نماید تا فرصت مطالعه، بررسی، ارزیابی و سنجش مفاد و ضرر آن برای دولت آینده نیز میسر شده بتواند. عجله کار شیطان است. آقای کرزی نباید تحت فشار امریکا عجله نماید و در ابهام و تاریکی قرارداد امنیتی را امضاء نماید. امضاء قرارداد امنیتی با امریکا یک امر ساده نیست، به تضعیف دائمی حاکمیت ملی و نقض سیاست عنعنوی و تاریخی عدم انسلاک افغانستان میانجامد. در اینباره باید لویه جرگه قانونی افغانستان دعوت شود که تابحال موجودیت قانونی ندارد و عمدن تشکل قانونی لویه جرگه را در عدم ایجاد شوراهای ولسوالی ها به تعویق انداخته اند. لویه جرگه فرمایشی و خریده شده نمیتواند از مردم افغانستان نمایندگی کند.

امروز سیاست جهانی بر اصول بده و بستان تنظیم یافته است. بدون اهداف خاص هیچ کس به کس چیزی نمیدهد. زورمندان کمتر میدهند و بیشتر می ستانند. اینکه امریکا و ایران شاید دیگر کشورها هم مخفیانه بوجی های پول نقد را به دفتر ریاست جمهوری آقای کرزی تادیه کرده اند، در مقابل آقای کرزی به آنها مخفیانه چه امتیازات بزرگتر را متقبل شده که تا بحال در ابهام و تاریکی قرارداد دارد. اگر در این تادیات رازی نهفته نمیبود و مصارف آن شفاف میبود و اهداف استعماری و غیر قانونی نمیداشت حتمن پولهای نقد مذکور از طریق حواله های بانکی به حساب ریاست جمهوری رسمی و علنی انتقال داده میشد. در این مورد مردم افغانستان تشویش دارند که زیر کاسه نیم کاسه ها نباشد. با فرارسیدن سال ۱۴ ۲۰ مردم افغانستان در باره دو پیشامد سال که

عبارت از نتایج انتخابات ریاست جمهوری، پیامد و عواقب قرارداد امنیتی با امریکا میباشد عمیقن نگران هستند.

* اگر نتایج انتخابات ریاست جمهوری به مراد کشورهای خارجی بیانجامد، سرنوشت آینده افغانستان چه خواهد شد.

* اگر قرارداد امنیتی با امریکا بدون در نظر داشت منافع ستراتژیک چین، روسیه، ایران و کمپ شنغای امضاء شود به چه عکس العملی از جانب شان مواجه خواهد شد؟

امروز افغانستان در دوراهی خطرناک قرار دارد. اگر قرارداد امنیتی را با امریکا امضاء نکند به سرنوشت بد تر از عراق درگیر خواهد شد. اگر آقای کرزی قرارداد امنیتی را با امریکا امضاء کند بیم آن میرود که افغانستان به سرنوشت بد تر از کشور سوریه دچار خواهد شد.

* راه سوم، تفاهم و توافق بین قدرت های یک قطبی و دو قطبی و بازیگران داخلی و منطقوی در مورد موقف تاریخی عدم انسلاک و صلح افغانستان میباشد که به نفع همه تمام میشود. اما در ابهام و تاریکی به جز از دعاگویی وسیله ی دیگری دیده نمیشود. خدایا تو آن کن که تو خشنود شوی و ما رستگار. ومن الله توفیق.